

ORIGINAL ARTICLE

Analyzing the anthropological foundations of Sadrai's statement of the second step of the Islamic revolution

Hasan Khodrovan

Assistant Professor at Payam Noor University, Tehran West, Tehran, Iran.

Correspondence:
Hasan Khodrovan
Email: Hassan_kh41@yahoo.com

Received: 01 Dec 2022
Accepted: 14 Jun 2023

How to cite

Khodrovan, H. (2024). Analyzing the anthropological foundations of Sadrai's statement of the second step of the Islamic revolution. SADRĀ'I WISDOM, 13(1), 41-50. (DOI:[10.30473/pms.2023.66135.1999](https://doi.org/10.30473/pms.2023.66135.1999))

ABSTRACT

This article examines the intellectual framework of Ayatollah Khamenei in the statement of the second step of the Islamic Revolution, in the light of the anthropological foundations of Sadrul Matalhin; Sadrai's anthropological ruling principles have explained the above statement and through this passage he is trying to achieve a systematic understanding of it. In order to achieve this goal, first, the existential truth of man from Mullah Sadra's point of view, then the anthropological roots of the statement of the second step of the Islamic Revolution and the foundations of Ayatollah Khamenei's views in the aforementioned charter, with a descriptive-analytical method, explanation and finally with a comparative approach. The anthropological foundations of the second step of the revolution have been analyzed in the light of Mulla Sadra's philosophy. The findings of the research show that Mulla Sadra has been able to establish the design of an educational system, at least in opinion, with his analysis of the existence and consequently of the human being. Then the sages who followed him, including Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei, inspired by it, in the form of the Islamic Revolution and the statement of the second step, have tried to describe the stages of the formation of the Islamic state, moral society and the foundations of the development of the new Islamic civilization in a new language. , modern and practical, and finally, in order to realize Mulla Sadra's theory about the human Caliph Allah mentioned in the Holy Quran, step by step and implement it.

KEYWORDS

Hikmat Ta'aliyeh, Declaration of the Second Step of the Revolution, Sadrai Anthropology, Ayatollah Khamenei, Mullah Sadra.



دوفصلنامه حکمت صدرایی

سال سیزدهم، شماره اول، پیاپی بیست و پنجم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳ (۵۰-۴۱)

DOI: 10.30473/pms.2023.66135.1999

«مقاله پژوهشی»

تحلیل مبانی انسان‌شناختی صدرایی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

حسن خودروان

استادیار دانشگاه پیام نور تهران غرب، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

حسن خودروان

رایانامه: Hassan_kh41@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

استناد به این مقاله:

خودروان، حسن (۱۴۰۲). تحلیل مبانی انسان‌شناختی صدرایی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. دوفصلنامه حکمت صدرایی، ۱۳(۱)، ۴۱-۵۰.

(DOI: 10.30473/pms.2023.66135.1999)

چکیده

این مقاله با بررسی چارچوب فکری آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، در پرتو مبانی انسان‌شناسانه صدرالمآلهین؛ اصول حاکم انسان‌شناختی صدرایی بر بیانیه مزبور را تبیین نموده و از این رهگذر در تلاش است به شناختی دستگاه مند از آن دست یابد. در جهت نیل به این هدف، ابتدا حقیقت وجودی انسان از دیدگاه ملاصدرا، سپس ریشه‌های انسان‌شناختی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و مبانی دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در منشور مذکور، با روش توصیفی - تحلیلی، تبیین و نهایتاً با رویکردی تطبیقی، مبانی انسان‌شناختی گام دوم انقلاب در پرتو فلسفه ملاصدرا تحلیل محتوا شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، ملاصدرا با تحلیلی که از هستی و به تبع آن از انسان ارائه داده، توانسته است حداقل در مقام نظر، زمینه طراحی یک نظام تربیتی را پایه‌گذاری کند. سپس حکمای پیرو ایشان، از جمله امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، با الهام از آن، در قالب انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم، تلاش کرده‌اند مراحل شکل‌گیری دولت اسلامی، جامعه اخلاقی و مقدمات گسترش تمدن نوین اسلامی را با زبانی نو، امروزی و کاربردی ارائه دهند و نهایتاً در جهت تحقق تئوری ملاصدرا درباره انسان خلیفه الهی مورد اشاره در قرآن کریم، گام به گام قدم برداشته و عملیاتی کنند.

واژه‌های کلیدی

حکمت متعالیه، بیانیه گام دوم انقلاب، انسان‌شناسی صدرایی، آیت‌الله خامنه‌ای، ملاصدرا.



مقدمه

انقلاب اسلامی ایران که با رهبری امام خمینی و با پشتوانه محکم دینی و آرمان‌های انسانی و با روش‌های متفاوتی از حوزه تمدن غرب شکل گرفت، دگرگونی‌های زیادی به‌ویژه در حوزه حاکمیت ایجاد کرد که مهمترین آن‌ها، تغییر ساختار سیاسی کشور و استقرار نظام جمهوری اسلامی و تحولات گسترده بعدی در افکار و ارزش‌های انسانی بوده است.

پس از رحلت امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان ادامه‌دهنده راه ایشان، رهبری نظام اسلامی را مبتنی بر چارچوب فکری امام راحل برعهده گرفته^۱ و با همان مشی قرآنی و انقلابی؛ بنیان‌های نظری و عملی محقق‌نشده‌ی امام خمینی را بیشتر عینیت بخشیده و چهار سال پیش در چهل‌سالگی انقلاب اسلامی، با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» دستاوردهای چهار دهه گذشته و عمق راهبردی کشور را تبیین کردند.

البته پیش از صدور این بیانیه، آیت‌الله خامنه‌ای در قالب‌های گوناگون «دیدار با اقشار مختلف مردم»، «نشست با مسئولان»، «نخبان و فرهیختگان»، «پیام به همایش‌ها و کنگره‌ها» و همچنین «دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها خطاب به نهادها و مدیران»، سخنرانی‌های فراوانی ایراد و صادر کرده‌اند و حتی قبل از انقلاب، ایشان بدون پیشینه مدیریتی و رهبری، در پنجمین اثر مکتوب خود تحت عنوان «طرح اندیشه اسلامی در قرآن کریم» که در سال ۱۳۵۴ به چاپ رسیده بود، طرح اسلام، به صورت مسلکی اجتماعی و دارای اصولی منسجم و ناظر به تربیت اجتماعی انسان‌ها و زندگی جمعی آنان را مستند به متون دینی و فلسفی تشریح کرده بودند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۲۷) لکن این بیانیه، ضمن یادآوری تجربیات کشور در طول چهل‌سال پیش از صدور؛ برای آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی، مؤلفه‌های بسیار مهمی را به‌عنوان عناصر استراتژی چهل‌سالگی دوم انقلاب، بیان نموده است.

بدون شک این آثار و افکار، مبتنی بر پایه‌ها و مبانی مهم فلسفی، دینی، اخلاقی، فقهی و سیاسی است که نظر به توجه کامل آیت‌الله خامنه‌ای به این مبانی و نیز نوع نگاهش به جهان و انسان که جملگی برگرفته از تعالیم قرآنی و آموزه‌های حکما و فقه‌های مسلمان به ویژه تفکر صدرایی و اندیشه جامع امام خمینی است،

سوال اصلی پژوهش حاضر، چستی مبانی انسان‌شناسی بیانیه گام دوم انقلاب، با هدف تبیین محورهای انسان‌شناختی صدرایی

منشور مذکور است تا از این رهگذر، به شناختی دستگاه مند از آن دست یابد. در جهت نیل به این هدف، ابتدا اشاره کوتاهی به پیشینه تحقیق شده، سپس حقیقت وجودی انسان از دیدگاه ملاصدرا و پس از آن، ریشه‌های انسان‌شناختی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و مبانی دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در منشور مذکور، با روش **توصیفی و تحلیلی، تبیین و نهایتاً با رویکردی تطبیقی،** مبانی انسان‌شناختی گام دوم انقلاب در پرتو فلسفه ملاصدرا، تحلیل محتوا شده که در این زمینه، کاری نو و بدیع است.

پیشینه تحقیق

بیانیه گام دوم انقلاب از بدو صدورش تاکنون، از زوایای مختلفی در مجامع علمی و رسانه‌ای، مورد بررسی قرار گرفته که برخی از این تحلیل و بررسی‌ها، فاقد مبانی فلسفی به‌ویژه انسان‌شناختی صدرایی بوده است. پس از انتشار این منشور، حجت‌الاسلام قرائتی در پژوهشی مختصر، مستندات قرآنی و نه مبانی فلسفی این بیانیه را استخراج و زمینه تحقیق و تتبع در مبانی قرآنی آن را فراهم کرده‌اند. (قراستی، ۱۳۹۸) چند سال پیش هم، قبل از صدور بیانیه گام دوم، آقای شریف لک‌زایی در مقاله‌ای علمی-پژوهشی با عنوان «حکمت متعالیه و انقلاب اسلامی ایران» برخی از وجوه فلسفی و پشتوانه خردورزانه انقلاب ایران را تحلیل و ثابت کرده‌اند که انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی توسط امام خمینی، تحقق همان سفر چهارم اسفار اربعه بوده است. (لک‌زایی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۲۵)

در مقاله دیگری از نگارنده و همکاران، که در شماره‌ی اول سال دوم همین نشریه حکمت صدرایی چاپ شده، وجوه انسان‌شناسی صدرایی «**نهضت امام خمینی**» بررسی و تبیین شده که امام خمینی با مبنای اندیشه صدرایی و با الهام از معارف قرآنی و تأکید بر فطرت الهی انسان، درصدد شکل‌گیری نهضت بزرگ در جهان معاصر برآمده و توانسته با رهبری خویش، تربیت انسان از مرتبه مادی تا مقام خلیفه الهی مطمح نظر صدرالدین شیرازی را در قالب بزرگترین انقلاب قرن، به منصه ظهور رساند که نتیجه آن بروز خودآگاهی در انسان‌ها و تبلور **مدل تربیتی خاص ایشان** مبنی بر «تحول متقابل فرد و جامعه و تأثیر و تأثرشان از همدیگر» و نهایتاً آزادی و بیداری اسلامی در پرتو انقلاب اسلامی شده است. (خودروان و همکاران، ۱۳۹۲، ۳۱-۴۲)

به‌طور کلی درباره‌ی خود انقلاب اسلامی و مبانی، ریشه‌ها، زمینه‌ها و پیامدهای گسترده‌ی آن، مقالات متعددی تاکنون به نگارش درآمده

که اشاره تفصیلی به آن‌ها در اولویت این مقاله نیست، اما در رابطه با بیانیه گام دوم انقلاب و بررسی تحلیلی پایه‌های آن، به‌ویژه مبانی فلسفی و انسان‌شناسی صدرایی آن، مقاله پژوهشی جدی انجام نشده که از همین‌رو، این نوشتار با رویکرد تبیین محورهای انسان‌شناختی صدرایی بیانیه گام دوم انقلاب، تدوین یافته است.

۱- حقیقت وجودی انسان از دیدگاه ملاصدرا

ملاصدرا قبل از پرداختن به تعریف انسان و تبیین حقیقت وجودی او؛ در هستی‌شناسی خویش، مبانی مهمی را تبیین و در مباحث مرتبط با استکمال جوهری نفس از آنها استفاده نموده است. برپایه‌ی همین مبانی، ایشان با اصیل دانستن وجود، شناخت همه امور را مبتنی به شناخت وجود و جهل به آن را سبب جهل به همه اصول و معارف، می‌داند. (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ۱۸)

از طرفی، وی انسان را عصاره وجود و نسخه مختصر و جامع همه عوالم طبیعی و عقلی و آنچه بین آن‌هاست، قلمداد می‌کند و بر این باور است که اگر کسی نه وجود، بلکه انسان را بشناسد، همه آن عوالم را شناخته و گر نه نسبت به همه عوالم جاهل خواهد بود. (ملاصدرا، ۱۳۸۶، ج ۲، ۷۹۶؛ اکبری، ۱۳۸۶، ۴۴-۵۲) پس در فلسفه صدرایی، شناخت همه چیز مبتنی بر انسان‌شناسی و وجودشناسی است. (ریاحی، ۱۳۹۳، ۹۸) ملاصدرا با باور عمیق به حرکت جوهری در کنار اصالت، تشکیک و اشتداد وجود، و نیز با بهره‌گیری از نظریه «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء» تبیین خاصی از نحوه پیدایش و بقای نفس انسان، ارائه می‌دهد (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۱۸۵) که به خلاصه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۱. ذو مراتب بودن انسان:

براساس مبانی حکمت متعالیه، نفس انسانی در عین وحدت، موجودی ذو مراتب است و انسان همانند عالم و به مثابه جهانی کوچک، دارای مراتب سه‌گانه حسی، خیالی و عقلی است. در نگاه صدرالمتألهین، نفس یک حقیقت ساری و جاری است که در مرتبه‌ای (مرتبه نازله) ماهیت بدنی، و در مرتبه‌ای دیگر (مرتبه تکامل یافته) ماهیت نفسانی و عقلانی به خود می‌گیرد. به عبارت دقیق‌تر، انسان حقیقت واحدی است که در عین حفظ تشخص خود، دارای اکوان و اطوار وجودی متعدد می‌باشد؛ در مرتبه طفولیت، طبیعی و جسمانی است، سپس وارد مرتبه نفسانی و پس از آن، وارد مرتبه عقلانی می‌شود. (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ج ۸، ۱۵۷)

در واقع نفس انسانی، جوهری «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء» است که با حرکت جوهری اشتدادی، دم بدم به کمالات وجودی خود

دست می‌یابد. در ابتدای خلقت چیزی جزء بدن جسمانی وجود ندارد، ولی با تکامل این وجود جسمانی، حقیقتی غیرجسمانی از آن برمی‌خیزد. نفس در این فرآیند استکمال ذاتی؛ با کسب قوا، ادراکات و ملکات، به تدریج چهره خود را تکون و تکامل می‌بخشد و در امتداد تشکیکی بودن وجود؛ قوای بیشتر، کمالات شدیدتر و ملکات پایدارتری تحصیل می‌کند. به عبارتی، نفس با تمام قوای خود، اتحاد و برخی قوای آن، همگام با نفس تجرد یافته و تمام قوا از شئون و مراتب آن به شمار می‌آیند. (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ج ۸، ۳۸۲)

بنابراین، انسان از مرتبه جسمانی شروع می‌کند و با اذعان به فقر وجودیش، پس از طی مرحله نفس ناطقه، به مرحله عقل بالفعل و پس از آن، به مرتبه عقل فعال می‌رسد. (احسائی، ۱۴۲۷، ج ۲، ۱۵) در مجموع، انسان جوهری است دارای سه نشئه طبیعی، نفسانی و عقلی؛ که ویژگی‌هایی همچون حیات، احساس، ادراک و اختیار، با اختلاف مرتبه در هر سه ساحت، به نحو ضعیف در انسان طبیعی و به صورت متوسط در انسان خیالی و به نحو قوی و شدید در انسان عقلی وجود دارد. (همان)

۲-۱. ماهیت ثابت نداشتن انسان:

برپایه حرکت جوهری ملاصدرا، ماهیت انسان به‌عنوان موجودی در مسیر حرکت، تغییر کرده، ثابت نمی‌ماند. برخی به خاطر غلبه علم و حکمت، در صف فرشتگان و برخی دیگر به دلیل غلبه شهوت و غضب، در صف شیاطین قرار می‌گیرند. (صدرالمتألهین، ۱۳۸۲، ۳۶۹) همچنین بنابر اصالت وجود و مراتب تشکیکی آن، و به خاطر اینکه در دیدگاه ملاصدرا و پیروانش، ماهیت بیشتر به معنای حد و مرتبه وجودی اشیاء (نه ذات مرکب از ماده و صورت) لحاظ شده، از این‌رو ماهیت هر موجودی، تنها مختص به آن موجود می‌باشد؛ زیرا هر موجودی تنها مرتبه وجودی خاص خود و ماهیت مختص به خود که یک مفهوم انتزاع شده از حدود حقیقت وجود خویش است، را داراست و در این معنا هیچ دو موجودی نمی‌توانند یک مرتبه وجودی داشته و در واقع هیچ دو موجودی نمی‌توانند وجود واحدی داشته باشند. از این‌رو هر موجودی، ماهیت و ذات مخصوص به خود دارد و فرد هر ذات و مصداق هر ماهیتی، تنها یک موجود می‌تواند باشد. (علم الهدی، ۱۳۹۱، ۱۶۲)

با این مبنا، فلسفه صدرایی با نفی ذات، طبیعت و ماهیت؛ و اصیل دانستن وجود و مراتب تشکیکی آن، اطلاق ذات بر افراد متعدد و حتی اطلاق آن بر دو مرتبه وجودی یک فرد را رد و نهایتاً تشکیک در ماهیت را نیز منتفی و مغایر با مبانی اصلی حکمت متعالیه می‌داند. در نتیجه‌گیری معرفت‌شناختی از نفی ذات و ماهیت در حکمت صدرایی،

معتقد است در معرفت؛ قوه مدرکه، ادراک کننده و ادراک شونده، سه چیز مستقل از یکدیگر نبوده و نمی‌توانند باشند؛ در هر عمل ادراکی، وجودی پدید می‌آید که فعل نفس است. این وجود در همان حال که نوعی وجود شیء ادراک شونده در ظرف ادراک است، نوعی وجود، برای نفس ادراک کننده نیز هست. نفس ادراک کننده این وجود را که فعل خویش است، به وسیله‌ی قوه فاعله ادراکی خویش، آفریده است. در حقیقت این قوه ادراکی، چیزی جز خود نفس در مرتبه فعل و تأثیر نیست.

بنابراین، علم و ادراک، نوعی تحوّل و تکامل نفس است. در این تغییر و استكمال وجودی، نفس با کسب هر اندیشه‌ای، وجود تازه می‌یابد. وجود هر صورت علمی در عین آنکه وجودی برای خود است، وجودی برای نفس عالم نیز هست و وجود صورت علمی برای خود، عین وجود صورت علمی برای نفس است. همچنین از نظر ملاصدرا، علم و ادراک چیزی جزء وجود یا حضور نیست و وجود مساوی و بلکه مساوی با علم و ادراک است. (ملاصدرا، ۱۴۱۹ ق، ج ۵، ۳۰۵؛ همو، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۳۵) از این رو هر موجودی، دارای علم و ادراک است و از آنجا که وجود با مراتبی از شدت و ضعف و کمال و نقص تحقق می‌یابد، علم و ادراک نیز چنین بوده و در نتیجه، آگاهی و ادراک موجودات به فراخور مرتبه وجودی آن‌ها، دارای مراتب کامل و ناقص است.

از طرفی، ملاصدرا و حکمای دیگری همچون ابن‌سینا و شیخ اشراق بر سر غیر مادی بودن علم و ادراک و اصل تجرّد آن، با استدلال‌ها و تقاریر مختلفی اتفاق نظر دارند که همین اصل با «اصل مساوت وجود با علم» تعارض داشته و سریان ادراک در موجودات مادی را دچار مشکل کرده است؛ البته ملاصدرا ضمن توجه کامل به این تعارض، با اثبات ساحت تجریدی موجود مادی و حیثیت تجرّدی آن، این تعارض را حل نموده است. (کوچنای و همکاران، ۱۳۹۱، ۷۴) به هر حال در نزد ملاصدرا، نفس آدمی در ابتدای وجود، جسم محض است که در نتیجه حرکت جوهری تکامل پیدا می‌کند و به مرحله تجرّد می‌رسد. حال مرحله تجرّد در انسان، آغاز پیدایی نفس انسانی و از طرفی، شروع پیدایی علم و معرفت است. (ملاصدرا، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ۲۱۰) بر همین اساس، تجرّد نفس همان علم و ادراک است و به تعبیری، علم و ادراک با تجرّد در انسان ملازمت و مساوت داشته و از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. (اراکي، ۱۳۸۳، ۶۸)

براساس مطالب فشرده اشاره شده، می‌توان حقیقت وجودی انسان از دیدگاه صدر المتألهین را چنین جمع‌بندی کرد که در اثر اتحاد عاقل و معقول، و وحدت علم و عمل، و نیز با توجه به سایر مبانی ایشان، همچون فقر وجودی، حرکت جوهری و جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا بودن؛ نفس، مسیر استكمال از اضعف مراتب تا بی‌نهایت و «نیل به مقام لایقی و تجرّد فوق عقلی» را طی طریق می‌کند.

این دستگاه فلسفی منحصر در عقل‌گرایی (دست کم به معنای ارسطویی آن) نبوده و بهره‌گیری از روش‌های دیگری همچون تجربه یا شهود برای آن، لازم و مجاز شمرده شده است. (همان، ۱۶۴)

از طرفی همچنان که بیان کردیم در رابطه با وجود انسان، نظریه «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء نفس ملاصدرا»، نظریه‌ای است که نه تنها به چگونگی پیدایش نفس انسان اشاره دارد، بلکه به ماهیت نفس نیز اذعان دارد. ملاصدرا با بهره‌گیری از این نظریه و با استمداد از سایر اصول فلسفی خود، ماهیت نفس آدمی را در پیدایش، موجودی جسمانی می‌داند که با حرکت جوهری مراتب پایین وجود را پشت سر می‌گذارد تا به مرتبه بالای وجود که تجرّد نفس است، برسد. در واقع وجود کشدار متحرک نفس، این اجازه را به او می‌دهد که در فرایند حرکت، تحت پوشش ماهیت‌های مختلف و ذوات متعددی از جمادی تا تجرّد و فوق تجرّد قرار بگیرد، اما در عین حال وحدت حقیقت آن حفظ شود. (یکه زارع و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۴۵) بنابراین در شکل‌گیری هندسه خاص نفس‌شناسی صدرایی، انسان فاقد هویت ثابت و مُدام در حال تغییر است. (ملاصدرا، ۱۳۸۹، ج ۸، ۲۳۲)

ملاصدرا معتقد است همه انسان‌ها در جهان مادی، دارای قوای خاص مشترکی همچون عقل، وهم، شهوت و غضب هستند، اما در وراء ماده، شکل و ذات واحدی ندارند، بلکه هر کدام دارای ذات و ماهیت متفاوتی با دیگر انسان‌ها هستند (صدر المتألهین، ۱۳۸۲، ۳۷۰) و ابنا بشر چه دچار اشتداد وجودی شده، به مرتبه بالاتری از حقیقت وجود نائل شوند و چه دچار حرکت ذبولی شده، به مرتبه‌ی پایین‌تری از حقیقت وجود هبوط کنند؛ در هر حالت، وجودشان تغییر کرده و ماهیتشان نیز دچار تغییر و حدود جدیدی از وجود تغییر یافته، خواهد شد.

مضاف بر این، براساس نظریه اتحاد عاقل و معقول نیز، تغییر و تحوّل گوهر آدمی از لحظه پیدایش تا رسیدن به تجرّد کامل، در اثر اتحاد با صورت علمی، تبلور؛ و هر فردی از افراد انسان، نوعیت متمایز پیدا می‌کند. (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ۲۲۶) برپایه‌ی همین نظریه، وجود انسانی با علم و عمل، اشتداد وجودی یافته و درجاتی از وجود را طی طریق و وجود متحوّل انسانی در هر آنی از حرکت، ماهیتی را از دست داده و ماهیت جدیدی کسب می‌کند؛ (ملاصدرا، ۱۳۸۶، ج ۲، ۶۳۱؛ حسینی شاهرودی و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۸).

۳-۱. تساوق ادراک و تجرّد در انسان:

ملاصدرا با ایجاد انقلابی در ابعاد مختلف فلسفه اسلامی، از مبحث تقسیم علم به «علم حضوری و علم حصولی» که پیش از او هم، کم و بیش مطرح بوده، نوآوری‌هایی پدید آورد که «نشت گرفتن علم حصولی از علم حضوری برپایه‌ی قاعده اتحاد عقل و عاقل و معقول»، از جمله آن‌هاست. (اراکي، ۱۳۸۳، ۷۰) ایشان به واسطه‌ی این نظریه،

۲- بنیادهای انسان‌شناختی گام دوم انقلاب در پرتو مبانی فلسفه صدرایی

پس از مرور و تبیین برخی مبانی انسان‌شناختی صدرایی، لازم است جهت فهم بهتر بنیادهای انسان‌شناختی گام دوم، چارچوب نظری اندیشه سیاسی و الهی آیت‌الله خامنه‌ای واکاوی شود.

بدون شک، ایشان به‌عنوان یکی از شاگردان برجسته امام خمینی؛ از اندیشمندان متأثر از حکمت صدرایی به‌شمار می‌آید. تاریخچه زندگی آیت‌الله خامنه‌ای، حاکی از نظام اندیشه‌ای منسجم و نیز نشان از هویت دینی، علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اوست که علاوه بر بهره‌مندی از اصول نظری اسلام و مبانی فقهی، سیاسی و اخلاقی آن؛ از اصول فلسفی، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی ملاصدرا نیز تأثیر می‌پذیرد.^۱

به لحاظ حکمت عملی و زمامداری در قالب نظام ولایت فقیه، امتیاز وی نسبت به سایر حکما، فقها و علمای دینی نه فقط در تاریخ معاصر ایران، بلکه در تاریخ جهان اسلام از ابتدا تاکنون، منحصر به فرد است. تجربه ریاست‌جمهوری و سابقه رهبری‌اش از زمان رحلت امام خمینی تاکنون، از او مدیری حکیم و شخصیتی جامع‌الاطراف ساخته است. (نامه اساتید دانشگاه در حمایت از بیانیه گام دوم انقلاب؛ ۹۷/۱۲/۵)

آیت‌الله خامنه‌ای در طول بیش از چهار دهه کارگزاری نظام اسلامی، در پرتو حکمت صدرایی و تعالیم دینی به‌ویژه قرآن و اهل بیت؛ توانسته نسبت به تعالی انسان‌ها، تعلیم و تربیت جوانان^۲ و اخیراً در طراحی «نقشه راه» چهل سالگی دوم انقلاب، همت بگمارند. (بیانات، ۷۷/۱۰/۲۸؛ بیانات، ۹۳/۲/۱۷؛ بیانیه گام دوم انقلاب).

این پارادایم فکری و مکتب تربیتی ایشان، با نگاه فردی و اجتماعی به انسان، در مباحث ذیل قابل تحلیل و بررسی است.

۱-۲. انسانیت مشکک در کلام آیت‌الله خامنه‌ای و بیانیه گام دوم

آیت‌الله خامنه‌ای همانند سایر حکمای صدرایی به تأسی از فلسفه ملاصدرا، اعتقاد دارد انسان، حقیقت بسیطی است که دارای درجات متعدّد بوده و از همه مراتب و مواهب هستی برخوردار است. (بیانات، ۸۲/۷/۲) ایشان، انسان را در کلیت هستی و بخش اساسی آن

برمی‌شمارد، بدین معنا که نگاه او به ماهیت انسان، ابعاد وجودی و نیز دامنه‌ی حیات و زندگانی او، به جایگاه کلی او در هستی ارتباط می‌یابد. (بیانات، ۸۶/۲/۲۵). در این نگرش، انسان گل سرسید هستی و موجودی ذومراتب، بالاراده، که هم دارای درجات و ملکات و کرامات، هم دارای ضعف و نیاز و از طرفی، مسؤولیت‌پذیر و تربیت‌پذیر است. (بیانات، ۸۲/۷/۲؛ بیانات، ۸۶/۲/۲۵) به واقع در این نوع جهان‌بینی، انسان مخلوق و آفریده‌ی خداوند است که به دلیل برخورداری از قوه‌ی ناطقه و عقل، می‌تواند بیندیشد و از سویی، با توجه به برخورداری از آگاهی و آزادی، می‌تواند تصمیم بگیرد، تأمین نیاز و معاش کند، تربیت شود، مسؤولیت بپذیرد و راه خویش را برگزیند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۹۸)

رهبر انقلاب، با دارا بودن سابقه حکمرانی کم‌نظیر، معتقد است اسلام از دو زاویه به انسان نگاه می‌کند، یکی، نگاه به فرد انسان و دیگری، نگاه جمعی به‌عنوان یک کل و یک مجموعه؛ همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، در نگاه کلان و اجتماعی، خلیفه خدا در زمین معرفی شده که وظیفه او، مدیریت و آباد کردن دنیا «و استعمار کم فیها»^۳ و نهایتاً به دنبال رفع نیازهای مادی و معنوی خویش است. بر این اساس، انسان با وجود ضعف و نیازش، همه‌کاره این عالم است؛ هم مسؤول خود و هم مسؤول عمران و آبادانی دنیاست. ایشان این دو زاویه دید نسبت به انسان را مکمل هم، و پایه و مبنائی برای همه مسائل کلان حکمرانی و زمامداری می‌داند. (بیانات، ۸۶/۲/۲۵)

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مسأله اسلام و تشکیل حکومت در اسلام، مسأله یک صیوروت، و یک تحول در اندرون انسانی است. (بیانات، ۹۱/۷/۲۰) در واقع، تحقق حکومت اسلامی در نگاه وی، مقدمه و ابزاری برای تحقق اهداف مهمی همچون احیای هویت انسانی و تکامل معنویت و انسانیت است. ایشان با استناد به آیات سوره مبارکه تین^۴ ضمن تعریف و تمجید از انسان، به ذومراتبی و پویایی هویت انسان، اشاره و با اخطار و هشدارهایی، به عناصر فرشتگی و عناصر سبعیت او اذعان می‌کند و مرتبه رفیع احسن تقویمی یا وادی هولناک اسفل سافلینی انسان را در گرو پیروی از علم و ادراک، عقل و اراده، اندیشه و حکمت، تلاش و مجاهدت، و ایمان و عمل صالح یا فقدان همه آن‌ها، ممکن می‌داند. (بیانات، همان)

۱. امام خمینی و به دنبالش آیت‌الله خامنه‌ای، از تکامل جوانان و فعلیت یافتن رشد و پرورش ایشان، تعبیر به «تحقق فتح الفتوح» می‌کنند.

۲. سوره هود، آیه ۶۱

۳. (لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم* ثم رددناه اسفل سافلین سوره تین، آیات ۴-۵)

۱. «فلسفه ملاصدرا برای نزدیک شدن به خدا و پیدا کردن یک معرفت درست از حقایق عالم وجود است.» (بیانات؛ ۲۹ / ۱۰ / ۸۲) «همواره همه بشریت به یک چهار چوب و استخوان‌بندی متقن عقلانی برای فهم و تفسیر هستی و انسان نیازمندند... و به گمان ما فلسفه اسلامی به‌ویژه در اسلوب و محتوای حکمت صدرایی، جای خالی خویش را در اندیشه انسان این روزگار می‌جوید و سرانجام آن را خواهد گرفت و در آن پابرجا خواهد گشت.» (پیام به گنجره بزرگداشت ملاصدرا؛ ۷۸/۳/۱)

فکر» در تعالی حقیقی انسان را ناکافی، و «ذکر الهی» را پشتوانه این فکر می‌داند و در تفسیر و توضیح آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اذكروا الله ذکراً کثیراً و سبّحوه بکرة و اصیلاً»^۲ با اشاره به بی‌کرانگی خدا و یاد او، انسان خدایی و دائم‌الذکر را در پرتو انوار و اذکار لایزال الهی، بی‌کران توصیف می‌کند. (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای؛ سی روز، سی گفتار؛ ۹۰/۵/۲۳)

آیت‌الله خامنه‌ای برای عروج انسان به مراتب بی‌کران الهی و ثبات او در صراط مستقیم، علاوه بر جنبه اعتقادی و علمی؛ جنبه قلبی و روحی و حالت طوع و خشوع انسان با خدا را ضروری قلمداد و ضمن پرهیز دادن ایشان به ویژه جوانان از غفلت و نسیان؛ از عموم انسان‌ها، تقویت یاد خدا در کنار استقامت فکری را درخواست می‌کند. (همان)

بر این اساس، ایشان در بیانیه گام دوم، نخستین درخشش انقلاب، یعنی «نظام اسلامی» و ترکیب جمهوریّت و اسلامیت را برآمده از متن ایمان و حکمت اسلامی می‌داند و پس از پیروزی انقلاب، تاب‌آوری مردم در برابر توطئه دشمنان را ناشی از همین قدرت عظیم ایمان، فکر و ذکر، حکمت و بصیرت و انگیزه ملت مسلمان ایران و رهبری آسمانی امام خمینی در پرتو حکمت صدرایی و جاودانگی الهی به شمار می‌آورد. (بیانیه گام دوم)

با این تبیان و تذکار از ایشان، تمام عوالم غیب و شهود به صورت بالقوه و بالفعل، به صورت بی‌کران و لایتناهی در انسان وجود دارد و هر یک از دو جنبه‌ی مادی و معنوی انسان، به تعلیم و تربیت خاصی نیازمند است و بسته به معنا و سبک زندگی، انسان‌ها در مسیر رشد و تعالی و یا تنزل و فساد و به تعبیر قرآن در ظلمات یا نور قرار می‌گیرند. (بیانات، ۹۸/۲/۱۱) البته در این نوع نگرش؛ فطرت انسان ابتدائاً نه فطرتی ناپاک، بلکه فطرتی الهی، نورانی، حق‌طلبانه، مبتنی بر عدالت، فراگیر و نامحدود است (بیانات، ۸۴/۱۱/۱۸) و بر همین اساس، شعارهای انقلاب اسلامی نیز به دلیل آمیختگی فطرت بشر با آن‌ها؛ جهانی، همگانی، بی‌کران، درخشان، نو، همه‌پسند و زنده‌اند (پناهی، ۱۳۸۳، ۱۴) که هرگز دلدزدگی در آن‌ها راهی ندارد و اگر دلدزدگی پیش بیاید، از رویگردانی مسؤولان از این ارزش‌های فطری و الهی است نه از پایبندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۸)

بر این اساس و بر مبنای انسان‌شناسی ملاصدرا - که انسان، عصاره وجود و دارای مرتبه و مقام خلیفه اللهی، و انسان کامل به‌عنوان غیب آسمان‌ها و زمین، تلقی شده- در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و متن منشور دوم انقلاب نیز «لزوم تحوّل انسان، رفع نیازها و تکامل مراتب وجودی او» روشی برای تحقق انسان خداگونه، و بارزترین تنوری ایشان در احیای هویت انسانی و ارتقای جامعه معنوی و تمدن اسلامی، در نظر گرفته شده است. همچنین تحوّل در علوم انسانی، تقویت روحیه علمی و جهادی، رهایی از فقر معیشتی و استضعاف فکری، گسترش اخلاق و معنویت، ترویج سبک زندگی ایرانی و اسلامی، تحوّل در آموزش و پرورش، دعوت جوانان به علوم فکری و عقلی، دانایی و توانایی، عدالت‌خواهی و آرمان‌گرایی، مبارزه با فساد و نابرابری، کار آفرینی و اشتغال‌زایی، ترویج ارزش‌های انسانی و دینی؛ همه و همه بخشی از عوامل تأثیرگذار در متحوّل شدن انسان، معنویت‌اشدادی (خطبه‌های نماز جمعه، ۸۷/۶/۲۹) و انسانیت‌مشکک و بلاخره تبلور مرتبه خلیفه اللهی اوست که به همه آن‌ها در بیانات مختلف و در متن بیانیه گام دوم، با قلم و زبان اجتماعی (نه فلسفی صرف) تلویحاً و تصریحاً اشاره شده است. (بیانات، ۹۸/۲/۱۱؛ بیانیه گام دوم)

همچنین آیت‌الله خامنه‌ای، ایجاد تحوّل در نظام آموزش و پرورش جهت تربیت انسان‌های بزرگ را ضروری و عامل پیشرفت جامعه و اقتدار کشور را در گروی رشد همین انسان‌های متعالی و همه این‌ها را نیازمند جهاد و مجاهده، تکامل نفس و داشتن روحیه انقلابی می‌داند و انقلاب‌گری را همانند انسانیت، مشکک^۱ و انسان‌های انقلابی را نه انسان‌های بی‌عرضه، بلکه به‌معنای افرادی باسواد، باانضباط، دارای حرکت، پرانرژی، متدین، متفکر، هوشمند، حکیم و خردمند ذو مراتب قلمداد می‌کند. (بیانات، ۹۵/۳/۱۴) ایشان هدف از تحوّل و پیشرفت کشور را انتفاع انسانیت می‌داند، آنهم نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی؛ بلکه انتفاع تشکیکی کل بشریت و انسانیت. (بیانات، ۸۶/۲/۲۵)

۲-۲. بی‌کرانگی انسان در بیانیه گام دوم

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، انسان موجودی لایتناهی است که برای رشد و تعالی خویش، لازم است در فضای بی‌کران فکر و اندیشه، بال و پر زند و در مسیر کمال به کمک عقل و وحی حرکت کند. (بیانات، ۸۱/۱۱/۸) ایشان در کلام تکمیلی دیگری، صرف «قدرت

۲. آیات ۴۱-۴۸ سوره احزاب

۱. این خطا است که ما از همه کسانی که انقلابی هستند، یک نوع عمل انقلابی توقع داشته باشیم؛ یا یک درجه از انقلابی‌گری توقع داشته باشیم؛ نه. به قول ما طلبه‌ها انقلابی‌گری مقول به تشکیک است.

۲-۳. نسبت دوسویه تجرّد و آگاهی انسان در بیانیه گام دوم

حکمای اسلامی، آگاهی و شعور سراسری عالم حتی جمادات و نباتات را به لحاظ جنبه ملکوتیشان تصدیق می‌کنند و با قائل شدن نوعی تجرّد و ثبات برای مادیات، آن‌ها را همانند موجودات مجرد عقلی و مثالی، عالم و عامل می‌دانند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ۳۸۲؛ مطهری، ۱۳۹۲، ۱۷۴) آیت‌الله خامنه‌ای نیز همسو با ایشان، و با استناد به برخی آیات قرآنی مبنی بر تسبیح و تحمید آسمان‌ها و زمین^۱، سریان ادراک در هستی و نظریه شعور همگانی موجودات را می‌پذیرد و این شور و شعور، و علم و ادراک همگانی خلایق را در مسیر هدایت انسان به سوی کمال، مهم ارزیابی می‌کند. ایشان با پیروی از ملاصدرا و امام خمینی، عالم را محضر خدا دانسته و انسان، این عصاره عالم هستی را به میزان فهم و شعورش، والاتر و شفاف‌تر می‌پندارد. (بیانات ۸۶/۳/۱۷)

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و سایر حکما و تابعین حکمت متعالیه؛ از سویی ادراکات انسان به دلیل قوه عاقله‌ای که در انسان هست، تقریباً نامتناهی است و از سوی دیگر، اهداف و غایات ادراکات، و روند تکاملی‌اش نیز حد مشخصی ندارد^۲. در نگرش ایشان؛ وحی، فطرت، قلب، عقل و تجربه انسان، منابع شناخت به‌شمار می‌روند و در صورت اتصال «ادراک طبیعی و شناخت فطری» با ادراک و شناخت ماورای طبیعی یعنی وحی؛ شناخت انسان کامل می‌شود و هر کسی به میزان وسع خویش، به ابعاد وجودی خود، معرفت می‌یابد که در این خصوص، انسان‌های کامل مانند پیامبران و امامان معصوم، متمایز با بقیه و مصداق بارزی از دارندگان این نوع علم و معرفت هستند. (بیانات، ۹۵/۲/۱۲)

بر همین نوع نگاه است که ایشان در بیانیه گام دوم، لزوم انقلاب علمی و به تعبیر خود ایشان رستاخیز علمی، و عبور از قله‌های دانش جهان را مورد توجه قرار می‌دهد و در کنار گسترش اخلاق و معنویت، حرکت جهادی به‌منظور تداوم رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، نانو، هوا فضا و امثال آن را از نخبگان و جوانان مطالبه می‌کند. (بیانیه گام دوم)

آیت‌الله خامنه‌ای به تأسی از حکمت متعالیه، و با استناد به روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص)^۳ تأکید دارد که نفس انسان، موجودی است بالقوه که به وسیله تحرکات و ادراکات به فعلیت می‌رسد و به میزان کامل‌تر شدن استعداد نفس و پاک‌شدنش از آلودگی‌ها، صلاحیتش شدت می‌یابد و نفس از عقل بالقوه خارج و عقل بالفعل می‌شود. (بیانات، ۸۸/۴/۲۹) از فحوای کلام ایشان می‌توان چنین استنباط کرد که در چنین حالتی، عاقل و عالم، همان نفس متکامل بوده و نسبت دوسویه تجرّد و آگاهی در انسان آشکارتر می‌شود و در عالم خارج، واقعیت بسیط واحدی عینیّت می‌یابد که هم مصداق مفهوم نفس است و هم مصداق مفهوم علم. (برداشت از بیانات؛ ۸۸/۴/۲۹)

به هر حال، در جمع‌بندی حقیقت وجودی انسان از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، باید گفت ایشان نیز با تأثیرپذیری از ملاصدرا، انسان را محور هستی و اساس تحولات عالم می‌داند.^۴ (بیانات؛ ۸۴/۴/۲۱) و معتقد است دگرگونی هر پدیده‌ای در عالم، به دست انسان است و اگر در ساحت اجتماع، چنانچه او بخواهد در وضعیت جامعه خود تغییری ایجاد و به سمت پیشرفت حرکت کند، باید در بُعد فردی، چه مادی چه معنوی از خودش شروع کند. از طرفی در نگاه ایشان، آموزش بدون پرورش، چندان ارزشمند نیست و برای این که علم و پژوهش، در جهت تربیت انسان، مفید و برای او سعادت‌آور باشد، باید خودشناسی، خودسازی و خودباوری مقدم بر آن، و معنویت و انسانیت، مقدمه علم آموزی و پژوهش محوری باشد.

نتیجه‌گیری

براساس آنچه تاکنون بیان کردیم، معلوم شد اولاً حکمت متعالیه در مقام استدلال فلسفی بسیاری از آموزه‌های قرآنی و روایی صحیح؛ قدم‌های مؤثر و راهبردی برداشته و برخی تابعان حکمت متعالیه از جمله امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای نیز با مقصدی واحد، ولی با زبان امروزی و رویکردی متفاوت، تحلیل عقلی و منطقی از آن‌ها ارائه داده‌اند. همچنین ملاصدرا و ایشان به حقیقت انسان، ساحت وجودی و مراتب نفس، ماهیت نفس، تجرّد علم و نفس، و نیز به مسأله تعلیم و تربیت او تأکید داشته‌اند. به‌طوری که ملاصدرا با تبیین و تحلیل اسفار اربعه، رشد و تعالی انسان را محور قرار داده ولی به دلیل شرایط اجتماعی روزگار خود، در مقام عمل نتوانسته

۳. فقال الرسول الله: «ان العقل عقال من الجهل والنفس مثل أختب الدواب... فتشعب من العقل الحلم و من الحلم العلم و العلم الرشده...»

۴. «تحوّل انسان، اساس تحولات عالم است» (بیانات؛ ۸۴/۴/۲۱)

۱. به عنوان نمونه: سوره جمعه، آیه ۱؛ سوره نور، آیه ۴۱

۲. «انسان نامحدود است، به قدر قدرت خدا نامحدود است. «انا لله و انا اليه راجعون» وقتی که انسان در روند تکامل افتاد، دیگر آخر ندارد. دائماً شناخت است. دائماً اوج است. دائماً تکامل و تعالی است، آخر و نهایت هم ندارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۳۰۳)

و طهارت از ناپاکی‌ها و کدورت‌ها، صلاحیت و شفافیت بیشتری به دست می‌آورد؛ و به میزان کسب علم و نور و عمل، و اخلاق و معنویت، سعه وجودی پیدا کرده و اینچنین ارتباط دوسویه میان تجرد و آگاهی در انسان برقرار و در نهایت با یافتن فعلیت‌های وجودی نوری، علم انسان، علم خدا و وجود او، وجود مرآتیی خداوند می‌شود.^۳ هر نظام آموزشی و تربیتی اعم از فردی و اجتماعی مبتنی بر یک جهان‌بینی منسجم یعنی هستی‌شناسی و به‌ویژه انسان‌شناسی نظری است و ملاصدرا با تحلیلی که از هستی و به تبع آن از انسان ارائه داده، قادر شده حداقل در مقام نظر، زمینه طراحی یک نظام فلسفی و اخلاقی را پایه‌گذاری کند. سپس شاگردان او امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، با تأثر از آن، توانسته‌اند مراحل شکل‌گیری جامعه و دولت اسلامی، و آرزوی گسترش تمدن نوین اسلامی و نهایتاً آرمان بزرگ مهدویت و آمادگی برای ظهور حجت خدا را فراهم و گام به گام در جهت تحقق تئوری ملاصدرا درباره انسان خلیفه‌اللهی مورد اشاره در متون دینی، حرکت کنند.

و نهایتاً اینکه آیت‌الله خامنه‌ای به پشتوانه سوابق اجرایی و مدیریتی، با تأکید بر تقویت حکمت متعالیه^۱، از باقی ماندن فلسفه اسلامی در ذهنیات مجرد و نداشتن امتداد سیاسی این ذهنیات در جامعه و بروز نشدنشان، انتقاد کرده (رحمانی گورجی و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۹) و از حوزه‌ها و مراکز علمی، صاحب‌نظران، فلاسفه معاصر و اهل فن، خواستار ایجاد دستگاه‌های نوین علمی و فکری مبتنی بر فلسفه ملاصدرا در پاسخ به نیازهای کنونی جامعه شده است.^۲ ایشان، نقص فلسفه اسلامی را نه در ذهنی و عقلی بودن آن، بلکه نداشتن همین امتداد سیاسی و اجتماعی این ذهنیات دانسته و در جهت جامعه‌سازی و تمدن‌سازی مورد نظرش در بیانیه گام دوم، این کشش را بسیار ضروری دانسته است.^۳ (بیانیه گام دوم انقلاب)

شایسته است زین پس، فلسفه ملاصدرا و گام دوم انقلاب بتوانند بیش از پیش تأثیر و تأثر متقابل از هم داشته و مبانی حکمت صدرایی به ویژه اصل تشکیک و چندوجهی‌نگری و مثبت‌اندیشی، با اولویت‌بخشی بر رفع مشکلات معیشتی انسان‌ها و تامین نیازهای اولیه زیستی ایشان؛ به شکل عملیاتی به متن زندگی مردم ورود پیدا کنند که البته ساز و کار آن، نیازمند انجام پژوهشی مستقل است.

در جهت تربیت اجتماعی و تأثیر آن در استكمال انسان متعالی، قدمی بردارد؛ اما شاگردان او و پیروان حکمت متعالیه، در صدرشان امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای به تأسی از انسان‌شناسی ملاصدرا و تطبیق آن با تعالیم دینی و قرآنی، توانسته‌اند بسترهای اجتماعی لازم در قالب انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب را جهت تکمیل و تحقق هرچه بیشتر حکمت عملی ملاصدرا، فراهم نمایند؛ به‌ویژه آیت‌الله خامنه‌ای در طول سال‌های متمادی حکمرانی و این اواخر در بیانیه مذکور، با همان متدولوژی معمار کبیر انقلاب، روند تکاملی و تفصیلی در مناسبات نظام اسلامی را آغاز و با رویکردی متفاوت و با بیانی نو از حکمت نظری و عملی؛ توانسته مدلی برای رشد و تعالی جوانان، و نیز تحقق کامل دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی با لحاظ ذومراتبی و تشکیکی ارائه کند که می‌توان، به صورت تطبیقی به مواردی از آن اشاره کرد:

۱. ملاصدرا براساس حرکت جوهری و سایر مبانی فلسفی خود، ضمن اشاره به پویایی ماهیت انسان و بی‌قراری هویت او؛ بر این باور است که هرکدام از انسان‌ها دارای ماهیت متفاوت با دیگر انسان‌ها هستند که به واسطه‌ی نوع ادراک و اعمالشان به سعادت یا شقاوت نائل می‌شوند و صورت ذات خود را که همان سعادت و شقاوت است، فعلیت می‌بخشند. آیت‌الله خامنه‌ای نیز ضمن اشاره به بی‌کرانگی انسان و عناصر فرشتگی و عناصر سبعیت ایشان، آنان را دارای صورت مناسب با ادراکات و اعمال خود، دانسته، برخی را به خاطر غلبه خوبی‌ها، در صف فرشتگان و به تعبیر قرآن در زمره احسن تقویم و برخی دیگر را به دلیل غلبه شهوت و غضب، در صف شیاطین و اسفل سافلین به صورت جاویدان قلمداد کرده است. ۲. از دیدگاه ملاصدرا، نظریه اتحاد عاقل و معقول، به نظریه تجرد فوق عقلی نفس رهنمون می‌شود. ایشان معتقد است وقتی نفس به برکت عقل فعال، به مرتبه عقل بالفعل رسید، انسان عقلی می‌شود و جزئیت و ضیق وجودیش با قطع تعلقات و قیود، از بین می‌رود و به مرتبه‌ای می‌رسد که با روح‌القدس، عقل فعال و مبدأ فاعلی خویش، متحد و فانی در او می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای نیز با الهام از آموزه‌های دینی و فلسفی و با اعتقاد به اینکه علم، نور است و فعلیت مجرد از ماده دارد؛ بر این باور است که نفس انسان، موجودی بالقوه است که به‌وسیله‌ی صور ادراکی به فعلیت می‌رسد و با تصفیه

۳. «نقص فلسفه ما این نیست که ذهنی است. فلسفه طبعاً با ذهن و عقل سر و کار دارد. نقص فلسفه ما این است که این ذهنیت، امتداد سیاسی و اجتماعی ندارد» (بیانات، ۸۲/۲/۲۹) از نظر ایشان این امتداد در گام نخست باید بر فلسفه‌های مضاف بنیادین مبتنی بر انقلاب اسلامی تمرکز یابد. «واقعا برویم ببینیم براساس فلسفه ما، شکل جامعه، بنیان سیاسی جامعه، حکومت در جامعه به چه شکلی خواهد بود؟» (بیانات، ۹۱/۱۱/۳۳)

۱. «ما نباید بگذاریم فلسفه به یک سلسله ذهنیات مجرد از معنویت و خدا و عرفان تبدیل شود. راهش هم تقویت فلسفه ملاصدراست؛ یعنی راهی که ملاصدرا آمده، راه درستی است. آن راه و آن فلسفه است که انسان را وادار می‌کند هفت سفر پیاده به حج برود و به همه زخارف دنیوی بی‌اعتنایی کند.» (بیانات؛ ۸۲/۱۰/۲۹)
۲. «از وحدت وجود، از بسط الحقیقه کل الاشیا، از مبانی ملاصدرا اگر نگوییم از همه اینها، می‌شود یک دستگاه فلسفی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی درست کرد.» (بیانات، ۸۲/۲/۲۹)

References

- * The Holy Quran
- * Declaration of the Second Step of the Islamic Revolution
- * The Supreme Leader's Information Base
- Ehsaei, Sheikh Ahmad (1427). *Sharh al-Arshiiyyah*, Beirut: Al-Balagh Institute [in Arabic]
- Araki, Mohsen, (1383). "The Truth of Perception and Its Stages in Mulla Sadra's Philosophy". Qom: Ma'rifat Philosophical Quarterly, No. 4. [In Persian]
- Akbari, Reza. (1386). "Mulla Sadra's Philosophical Innovations and Their Role in the Theory of the Microcosm and the Great Man" Tehran: Kherad-Nameh Sadra, No. 47. [In Persian]
- Panahi, Mohammad Hossein. (1383). "A Study of the Backgrounds and Goals of the Islamic Revolution of Iran Based on the Slogans of the Revolution" Qom: Ma'arif Monthly, No. 23. [In Persian]
- Javadi Amoli, Abdullah (1391). *Mafatih al-Hayah*, Qom, Asra Printing and Publishing Center. [In Persian]
- Hosseini Shahrudi, Seyed Morteza; Salahshur Sefid Sangi, Zohreh (2015) "Ontological, Anthropological and Epistemological Requirements of the Theory of the Unity of the Wise and the Reasonable" Tehran: Sadra Journal, Volume 21, No. 1. [In Persian]
- Khamenei, Seyed Ali. (2018). *Outline of Islamic Thought in the Quran*, Qom: Iman Jihadi Cultural Institute. [In Persian]
- Khoddravan, Hassan; Jamshidi, Mohammad Sadegh; Rasouli Sharabyani, Reza (2013). *The Crystallization of Sadra's Anthropology in the Movement of Imam Khomeyni*, Tehran: Hekmat Sadra'i, Volume 2, No. 1. [In Persian]
- Rahmani Gorji, Mohammad; Masjedi, Fatemeh. (2019). "Do's and Don'ts of Islamic Philosophy Based on the Thought of the Supreme Leader". Sadra's Kheradnameh. No. 95. [In Persian]
- Riahi, Ali Arshad et al. (2014) "Ont. logical Foundations of Sadra's Anthropology," Tehran: Sadra's Khednameh, No. 75. [In Persian]
- Sadrudin Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim (1389). *Asrar Al-Ayat and Anvar Al-Bayyenat*. Edited by Mohammad Ali Javdan, Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation. [In Arabic]
- Sadrudin Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim (1419 AH). *Al-Hikma al-Mutaaliyyah fi al-Isfar al-Arbaah Al-Aqliyyah*. Beirut: Dar Ihya al-Turat al-Arab. [In Arabic]
- Sadrudin Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim; Khamenei, Seyyed Mohammad (1382). *Al-Shawahid al-Robubiyyah fi al-Manahij al-Solukiyyah*. Edited by Seyyed Mustafa Mohaqiq Damad, Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation. [In Persian]
- Sadrudin Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim (1375). *Al-Shawahid al-Robubiyyah*. Translation and commentary by Javad Mosleh, Tehran: Soroush Publications. [In Persian]
- Sadrudin Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim (1975), *Al-Mabda and Al-Ma'ad*, Edited by Seyyed Jalal al-din Ashtiani. Tehran: Iranian Society of Wisdom and Philosophy. [In Arabic]
- Sadrudin Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim (1984). *Al-Mashaer*. Persian Translation by Badi' al-Mulk Mirza Emad al-Dawla. French translation, introduction and annotations by Henry Corbin. Tehran: Tahouri Library. [In Persian]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1988). *Nihayeh al-Hikmah*, Annotations: Gholamreza Fayyazi, Qom: Imam Khomeini Educational Institute. [In Persian]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein; Motahari, Morteza. (2013). *Principles of Philosophy and the Method of Realism*, Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Ala al-Hoda, Seyyed Ali. (2012) "Relativism in the Philosophy of Mulla Sadra" Qom: Quarterly Journal of Philosophical and Theological Research of Qom University, No. 51. [In Persian]
- Farzaneh, Mohammad Baqer; Khayyat, Ali; Safarpour, Hadi (2018). "Explanation of the factors for the creation of a new Islamic civilization from the perspective of the Supreme Leader" *Islamic Social Research*, No. 3 (118th issue). [In Persian]
- Kulayni, Mohammad ibn Ya'qub (1986) *Principles of Al-Kafi*, Volume 2, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah. [In Arabic]
- Kouchanani, Qasem Ali; Jafarnejad, Ali Mohammad (1991) "Abstractness of perception and its presence in beings from the perspective of transcendental wisdom". *Khuradnameh Sadra*, No. 67. [In Persian]
- Yeke Zare, Soghra; Kamelan, Mohammad Sadeq; Parvaneh Mahmoud (1991) "The influence of the theory of substantial movement on Mulla Sadra's psy. hology". *Religious Anthropology*, No. 27. [In Persian]